

## مشکلات آموزش کتابداری در ایران در بیست و چهارمین نشست کتاب ماه کلیات

### شرکت‌کنندگان:

۱. خانم دکتر منصوره باقری: مدیر گروه آموزش کتابداری دانشگاه الزهراء
۲. خانم دکتر ناهید بنی‌اقبال: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال گروه کتابداری (دبیر میزگرد).
۳. آقای دکتر علی جلالی دیزجی: مدیر گروه کتابداری دانشگاه علامه طباطبائی
۴. آقای فرزاد دادرسی: مدیر کتابخانه دیجیتال مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران
۵. آقای دکتر رحمت‌اله فتاحی: دانشیار و مدیر گروه آموزش کتابداری دانشگاه فردوسی مشهد.

### سرفصل‌های میزگرد:

۱. بررسی برنامه‌های درسی: الف - افزودن دروس جدید ب - تکمیل دروس موجود ج - همپوشانی دروس در مقاطع مختلف د - جایگاه پژوهش در برنامه‌های درسی
۲. بررسی ابزارهای آموزشی: الف - تدوین متون جدید ب - تکمیل متون موجود
۳. مشکل خاص گروه شما چیست؟
۴. اولویت‌های اجرایی مشکلات آموزش کتابداری در ایران کدامند؟

بنی‌اقبال: در شماره چهارم خبرنامه انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی، مرداد و شهریور ۱۳۸۳، عنوانی بر پشت جلد آمد که برای هر کتابدار، مدرس و دانشجوی کتابداری تکان‌دهنده بود. خانم رها دوست در مصاحبه خود بیان کرده بودند: «آموزش کتابداری در بحرانی‌ترین وضعیت به سر می‌برد»، که مسلماً همه شما مطالعه فرموده‌اید. خوشبختانه این روزها توجه به این وضعیت بحرانی بیشتر شده و ما شاهد برگزاری همایش دانشجویی دانشگاه الزهراء در اردیبهشت امسال با موضوع «دروس کتابداری، محیط حرفه‌ای و دیدگاه انتقادی» بودیم که در غالب مقاله‌ها به مقایسه دروس کتابداری و شرایط فناوری اطلاعات پرداخته بودند و بالاخره تلاش‌های انجمن کتابداری و کمیته بازنگری مواد درسی که توانست در شماره سوم، خرداد و تیر خبرنامه انجمن نتیجه تصمیمات تخصصی این بازنگری را در خصوص عناوین دروس و تعداد واحدها اعلام کند.

امید است در آینده نزدیکی شاهد انجام بازنگری در سرفصل‌ها و محتوای آن‌ها نیز باشیم. از جناب آقای دکتر فتاحی به عنوان مدیر گروه کتابداری دانشگاه فردوسی مشهد و کسی که بر تمامی مراحل بازنگری مواد درسی با کمیته آموزش همکاری و نظارت داشته‌اند، خواهش می‌کنم نظریات خود را در زمینه بازنگری‌هایی که انجام داده‌اند و یا در نظر دارند انجام دهند، بیان بفرمایند.

فتاحی: قبل از اینکه به بحث بازنگری در دروس‌های کتابداری بپردازیم، باید رویکرد خود را مشخص کنیم و با یک چارچوب نظری به تحلیل وضعیت موجود بپردازیم. بنابراین بایستی نگاهی به چارچوب‌های نظری در آموزش کتابداری در ایران داشته باشیم. در هر جامعه‌ای چندین نظام کلان مثل نظام آموزشی، درمانی، اقتصادی، سیاسی و غیره وجود دارد، و اینها به نوعی با یکدیگر در ارتباط هستند. بدین ترتیب در این روند تعاملی، نظام آموزشی متأثر از نظام اقتصادی و نظام اقتصادی متأثر از نظام سیاسی می‌باشد و این فرآیند ممکن است به صورت عکس هم اتفاق بیفتد و این نشانگر آن است که اینها دارای نوعی ارتباطات تنگاتنگ در سطح کلان جامعه هستند. مقصود من این است، زمانی که ما در مورد مسائل نظام آموزشی صحبت می‌کنیم، در واقع تحت تأثیر نظام‌های دیگر هستیم، و نمی‌توانیم فارغ از آنها بحث کنیم. وقتی به مشکلات نظام آموزشی برخورد می‌کنیم، درمی‌یابیم که بخشی از این مشکلات متأثر از آن نظام‌ها می‌باشد، که در واقع به نوعی به بخش آموزش عالی و بخصوص



آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی تحمیل شده‌اند. بنابراین باید توجه داشته باشیم که در بررسی مشکلات موجود فقط آن‌ها را در محدوده حرفه خود مطرح نکنیم. اگر به این صورت عمل کنیم ریشه مشکلات به خود ما برمی‌گردد و خود ما در مظان اتهام قرار می‌گیریم، در حالی که این طور نیست. بحث دیگر این است که یک ذهنیت منفی در ایران بوجود آمده و ریشه گرفته است که متأثر از گذشته می‌باشد، و آن اینکه به مسائل تنها از دید منفی و با نقد منفی می‌نگریم. اشاره‌ای می‌کنم به مقاله‌ای که در نشریه انجمن منتشر شده بود با عنوان «آموزش کتابداری در بحرانی‌ترین وضعیت» که من به این نقد اعتقاد ندارم. اگر دقت کنیم ما فارغ‌التحصیلانی داریم که کتابخانه‌ها را بخوبی اداره می‌کنند. جوانانی تربیت کرده‌ایم که از ما خیلی جلوتر هستند و تحولات خیلی خوبی بوجود آورده‌اند، حتی پایشان را از این هم فراتر نهاده‌اند و در مراکز اطلاع‌رسانی مشغول بکار هستند که کتابخانه نمی‌باشد، بلکه پایگاه متخصصان و برنامه‌ریزان است. هم‌چنین در مقابل رشد کمی کتابداری، رشد کیفی هم داشته‌ایم، به این صورت که در برخی دانشگاه‌ها در سطح فوق لیسانس و دکتری دانشجوی داریم و همین طور مجلات تخصصی وجود دارد که در سطح بالا منتشر می‌شوند، که بیشتر مقالات چاپ شده در آن‌ها مربوط به اعضای هیأت علمی، فارغ‌التحصیلان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. بنابراین وقتی از وضعیت بحرانی صحبت می‌کنیم، دید ما بی‌اساس بوده و مبتنی بر یکسونگری و ذهنیت منفی تاریخی است، به طوری که در هر جایی اگر مقاله یا سخنرانی ارائه می‌شود، در صورتی که رویکرد انتقادی نداشته باشد، احساس می‌کنیم نمک ندارد و بی‌مزه است و کسی به آن توجه نمی‌کند. مقصود از این صحبت‌ها این بود که به همکاران و دانشجویان توصیه کنیم زیاد به ابعاد منفی توجه نکنند.

نکته سوم اینکه در طی دوسه دهه آموزش کتابداری و مخصوصاً دهه آخر از لحاظ کمی و تا حدودی کیفی رشد داشته‌ایم، به طوری که در زمینه پژوهش به یک انباشت تجربی و علمی رسیده‌ایم؛ زیرا در طی این دوران مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری با موضوع «آموزش کتابداری» انجام شده که این نشان‌دهنده رویکرد کیفی است. بدین ترتیب هنگامی که حرفه یا جامعه‌ای با مشکلی در درون خود مواجه می‌شود، از طریق انجام

**فتاحی:**

وقتی از وضعیت بحرانی صحبت می‌کنیم، دید ما بی‌اساس بوده و مبتنی بر یکسونگری و ذهنیت منفی تاریخی است، به همکاران و دانشجویان توصیه می‌کنم زیاد به ابعاد منفی توجه نکنند



**فتاحی:**  
گره اصلی این است که ما در برنامه ریزی ها و اجرا مشکل داریم که این ها هم به مسائل مدیریتی، معرفتی، شناختی و غیره برمی گردد

پژوهش در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد و دکتری، یا از طریق مقالات و سرمقاله های مجلات به آن واکنش نشان می دهد، که این رویکرد مثبتی می باشد و نباید این ها را نادیده بگیریم، زیرا اینها دانشی است که در مورد آموزش کتابداری بوجود آمده است و تبدیل به یک دانش عمومی شده است. به طوری که دانشجوی کتابداری هم متوجه شده که درس هایی که ارائه می شود متناسب با نیازها نیست، و این خود می تواند یک نکته مثبت باشد. به نظر من گره اصلی این است که ما در برنامه ریزی ها و اجرا مشکل داریم که این ها هم به مسائل مدیریتی، معرفتی، شناختی و غیره برمی گردد. جمع کردن گروهی که دارای تخصص و صاحب نظر هستند، از جمله در زمینه آموزش کتابداری دشوار است. انجمن هم به دشواری افراد علاقه مند و مدیران گروه ها را جذب و در مورد کتابداری بحث می کرد. افرادی که مجری طرح های بازنگری در درس هستند، همچون خانم دکتر عصاره و بنده، در جمع آوری اساتید و صاحب نظران برای واکنش نشان دادن به کاری که ما در حال انجام آن هستیم، دچار مشکل هستند. مشکل مشارکتی است و جدی می باشد و باید بپذیریم که تا زمانی که مردم ایران مشارکت گریز هستند، کارها پیشرفت خوبی نخواهد داشت. این نکاتی بود که در ابتدا باید به آن ها توجه داشت تا در ادامه به بحث بازنگری پرداخت.

**بنی اقبال:** برای آشنایی خوانندگان کتاب ماه کلیات توضیحاتی را در مورد «انجمن کتابداری و اطلاع رسانی» و فعالیتهای بخش آموزش عنوان فرمایید.

**فتاحی:** در انجمن کتابداری مانند هر انجمن علمی و حرفه ای، کمیته هایی تشکیل شده است که یکی از کمیته ها مسؤولیت بررسی مسائل آموزشی را بعهده دارد. در این کمیته چند گروه تشکیل شده که از آن جمله گروهی برای بازنگری در درس شکل گرفت. با توجه به اینکه پیکره مکتوبی در این زمینه به مرور بوجود آمده بود، انجمن طی فراخوانی از کلیه علاقه مندان، بخصوص مدیران گروه های کتابداری و برخی اساتید دعوت کرد تا در جلسات منظمی به بررسی درس های دانشگاهی بپردازند. در بررسی این درس یک سری چارچوب مدنظر قرار گرفت، مانند نیازهای جامعه و پیوستگی درس ها با درس های مقطع کارشناسی ارشد. نظرات مکتوبی هم وجود داشت که در جلسات متعدد بررسی شدند. مسؤول کمیته آموزش آقای شمسبند در این زمینه به نحوی عمل کرد که کلیه درس به صورت تک به تک مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و در مورد اصلاح، حذف یا ایقا و یا حتی تغییر نامش تصمیم گیری شود. این فرآیند در ۲۲ جلسه صورت گرفت، که در طی آن افراد مختلفی حضور یافتند و نظرات خود را ابراز کردند و حاصل این نشست ها در اختیار خبرنامه انجمن قرار گرفت، که به صورت جدول منتشر شد. هم چنین نامه ای هم به وزارت علوم ارسال شد و آن ها هم از این بررسی ها اطلاع یافتند. از سوی دیگر چون خانم دکتر عصاره طرحی در زمینه بازنگری در درس کارشناسی را اجرا می کنند، انجمن نتایج نشست ها را در اختیار ایشان قرار داد و در صورت نیاز باز هم همکاری خواهد کرد. در هر صورت جدول این نشست ها موجود است، اگرچه انتقادهایی بر آن وارد شده است. با وجود این در جلساتی که خانم دکتر عصاره در باره طرح خود دارند، آنجا مطرح خواهد شد، و نتایج پژوهش ایشان در خبرنامه منتشر می شود، می توان امید داشت که منجر به تحولی در نظام آموزشی کارشناسی گردد.

**بنی اقبال:** نکات کوچکی در مورد بازنگری وجود دارد که به آن اشاره خواهیم کرد، در اینجا از سرکار خانم دکتر باقری می خواهیم نظر خودشان را در مورد بازنگری فرمایند.

**باقری:** جای خوشبختی است که این همه توجه نسبت به مقوله بازنگری وجود دارد. طبق فرمایشات دکتر فتاحی اصلاً نباید ناامید باشیم و دچار منفی نگری شویم. من از روزی که وزارت علوم اجازه بازنگری در درس را به دانشگاه ها داد، نور امیدی در دلم زنده شد. خوشبختانه همه دانشگاه ها هم در این زمینه کار می کنند. دانشگاه تهران شروع کرد، درس های جدیدش تصویب شد و برنامه جدید را نیز اجرا می کنند. خبر دارم که دانشگاه فردوسی هم بازنگری خود را به طور کامل انجام داده و برنامه جدید را اجرا می کنند. دانشگاه علامه و اصفهان هم همین طور. دانشگاه اهواز هم به همت خانم دکتر عصاره سخت در حال تلاش است. در



باقری:

غیر از سرفصل‌های هر درس و محتوای آن، شیوه تدریس بسیار سازنده است

این بین دانشگاه الزهرا ضمن بهره‌گیری از نتایج انجمن که بسیار هم با ارزش بود، کار را ادامه داد، در آنجا هم نشست‌های تخصصی بسیاری انجام شد، و بر پایه نظرات کارشناسی تغییراتی در درس ایجاد شد، گروهی از درس‌های موضوعی به درس‌های پایه انتقال یافت، برخی درس‌ها حذف و درس‌های جدیدی اضافه شد و یکی از اقدام‌ها حذف گرایش در مقطع لیسانس بود، زیرا در این مقطع گرایش چندان در برنامه‌ریزی کتابداری اهمیت ندارد. به همین دلیل دروسی مثل آمار و احتمالات، برنامه‌نویسی رایانه، ریاضیات عمومی و برنامه‌نویسی کاربردی را به درس پایه منتقل کردیم. درس اختصاصی را هم بازنگری کردیم برخی درس‌ها از لحاظ محتوا، و در برخی دیگر نام و تعداد واحدها عوض شد. به این ترتیب، به نظر من برنامه درسی مناسبی تدوین شد. البته درس‌های اختیاری زیادی هم در نظر گرفتیم که دانشجوی می‌تواند تا سقف ۱۰ واحد از میان درس تخصصی انتخاب کند. سرفصل‌های درس‌ها هم نوشته شد. در حال حاضر در مرحله بازنگری سرفصل‌ها و روش تدریس آن‌ها هستیم. ما معتقدیم غیر از سرفصل‌های هر درس و محتوای آن، شیوه تدریس بسیار سازنده است. بنابراین در قالب کمیته‌های تخصصی شامل کمیته‌های ذخیره و بازیابی، مجموعه‌سازی، مدیریت کتابخانه، زبان و کارورزی و کمیته دروس تکمیلی این درس بازنگری می‌شود و غیر از سرفصل‌ها، منابع درسی (منابع اصلی و منابع برای یادگیری بیشتر) تهیه شد. هم چنین روش تدریس شامل ابزارهای کمک‌آموزشی بازدیدها و تکالیف مورد نیاز مورد تجدید نظر قرار گرفته تا نتایج لازم گرفته شود تا متناسب با سرفصل درس نوع خاصی از روش تدریس تدارک شده باشد. بعد از این، قرار است منابع درسی با بهره‌گیری از منابع موجود تهیه شود. البته این منابع بر اساس نیازهای روز می‌باشد، امیدوارم مجموعه این برنامه‌ریزی‌ها منجر به تدوین برنامه درسی مناسبی گردد.

بنی اقبال: سرکار خانم دکتر باقری، آیا از فعالیت‌های شما گزارش مکتوبی در مجلات کتابداری یا خبرنامه انجمن درج شده است، یا قصد دارید در آینده چیزی منتشر کنید؟ در صورتی که مایل هستید به گوشه‌ای از فعالیت‌های خود اشاره فرمایید.

باقری: تا به حال چیزی را منتشر نکرده‌ام چون حاصل کار خیلی روشن نبود. مجبور شده‌ام بارها و بارها درس‌ها را از اول بازبینی کنیم، زیرا گاهی متوجه می‌شدیم یکی از حلقه‌های زنجیر نیست، چیزی در این میان گم است، می‌دیدیم برای اینکه این درس‌ها بهم متصل شوند و با همدیگر مجموعه قابل اعتمادی باشند، چیزی در آن‌ها کم است. گاه سرفصلی را تهیه می‌کردیم، تأیید هم می‌شد، بعد فکر می‌کردیم که در مقطع کارشناسی ارشد ما چه انتظاری داریم و در دوره دکتری چه چیزی باید ارائه دهیم. بررسی برش محتوای هر درس برای هر دوره مسأله مهمی بود. آیا این مقدار محتوای درس برای مقطع کارشناسی کافی است، در این موضوع می‌تواند با مطالعه آژاد روز آمدشود. آیا نیاز به پیگیری در مقطع کارشناسی ارشد دارد یا بعد از آن هم نیاز به پیگیری هست. بدین دلیل ما تا به حال چیزی را منتشر نکرده‌ایم، اما در حال حاضر دیگر تقریباً جا افتاده است و فکر می‌کنم ظرف یکی دو هفته آینده نتیجه کار خود را اعلام می‌کنیم.

بنی اقبال: آقای جلالی، بازنگری انجمن چه انعکاسی داشت، و چه اقداماتی در دانشگاه علامه طباطبائی صورت گرفته است.

جلالی: نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که اتفاق نظری در گروه‌های آموزشی کتابداری، به دلیل تحولات در حوزه فناوری اطلاعات، بوجود آمده است، و این نقطه قوتی است که باعث می‌گردد همه با علاقه فردی و گروهی در این کار مشارکت کنند. نتایج مثبت آن هم در آینده خود را نشان خواهد داد. همان طوری که آقای دکتر فتاحی عنوان کردند، بر خلاف نظر برخی افراد، آموزش کتابداری در ایران از ابتدا تا بحال دچار بحران نبوده است.

در طی این دوره ما یک روند کیفی صعودی را پشت سر گذاشته‌ایم. اگر نگاهی به گذشته بیندازیم در ابتدای کار ما فاقد هرگونه ابزار کار و منابع بودیم، اما در حال حاضر، ابزار کار و منابع در حد مطلوبی وجود دارد.



جلالی:

در انجمن برنامه ریزی  
درسی برای کلیه گرایش‌ها  
به صورت یکسان تنظیم  
شد، ولی بهتر بود که هر  
گرایش به فراخور نیازهای  
خود، برنامه ریزی خاص  
خود را داشته باشد

در مورد موضوع بازنگری دروس نکته‌ای را که می‌توان بدان اشاره کرد، این است که در انجمن برنامه ریزی درسی برای کلیه گرایش‌ها به صورت یکسان انجام شد، ولی بهتر بود که هر گرایش به فراخور نیازهای خود، برنامه ریزی خاص خود را داشته باشد. به عنوان مثال در پزشکی، اگرچه در اصول مباحث مشابه است، ولی این حوزه نیاز به تخصص‌های خاص خود دارد. دلیلی هم که برای بحث خود داریم این است که در جلسات انجمن درباره برنامه ریزی‌های درسی، نقطه نظرات متفاوتی در مورد حذف، اضافه و دیگر تغییرات درسی پیشنهاد می‌شد که خود دلیلی بر تفاوت‌های بین گرایش‌ها بود. من معتقدم در ادامه این کاری که انجام شده است، در بخش‌های مختلف با برنامه ریزی تخصصی می‌بایست آن را تکمیل کرد.

نکته دوم این است که اگرچه مسؤول اصلی این بازنگری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است، اما در دنیا معمولاً انجمن‌های حرفه‌ای دخالت زیادی در این زمینه انجام می‌دهند و این موقعیت خوشبختانه در مورد کتابداری هم در ایران بوجود آمد. اما واگذاری بازنگری دروس به دانشگاه‌های خاصی این احتمال را بوجود می‌آورد که علی‌رغم همه تلاش‌آن‌ها، اشراف کافی به نیازهای جامعه نداشته نباشند. بنابراین احتمال می‌رود در تدوین و بازنگری دروس اشکالاتی در آینده بوجود آید. بهتر بود که این کار به صورت جمعی به تعدادی از گروه‌ها یا کمیته‌ها ارجاع داده می‌شد تا انجام دهند. نکته بعدی که اختصاص به دانشگاه علامه طباطبایی دارد، شیوه اجرای برنامه در دانشگاه‌های مختلف است. دانشگاه‌ها نیاز دارند برنامه پیشنهادی را با برنامه خود هماهنگ و تطبیق دهند که هیچ اشکالی هم ندارد. گروه کتابداری دانشگاه علامه طباطبایی از سال‌ها پیش در این فکر بوده است که دو بار هم پیشنهادهای گروه به دانشگاه منعکس شده است، اما مسأله این است که نگرش دانشگاه‌ها نسبت به این قضیه متفاوت است. در برخی دانشگاه‌ها نظرات گروه بلافاصله اجرا می‌شود و در برخی دانشگاه‌ها این کار صورت نمی‌گیرد.

من معتقد هستم که برای اجرای این تغییرات بهتر است، گروه‌های آموزشی علی‌رغم تغییراتی که در برنامه‌هایشان به صورت مقطعی دارند، تأمل در اجرای برنامه‌های خود داشته باشند تا نتیجه بازنگری دروس در وزارت علوم مشخص شود تا ابلاغ نکنند، آن وقت دانشگاه‌ها آن‌را با وضعیت خود تطبیق بدهند و اجرا کنند. روی همین اصل چون تا به حال دو بار طرح خود را ارائه داده‌ایم و به آن توجهی نشده است، ما در گروه منتظر هستیم چنین اتفاقی بیفتد. بنابراین در این سیستم احتمالاً نقطه نظرات از بالا به پایین راحت‌تر مورد پذیرش قرار می‌گیرد تا از پایین به بالا باشد. اما عملاً ما در برنامه‌های درسی که در دانشگاه ارائه می‌دهیم این تغییرات را ایجاد کرده‌ایم. ما دروسی را که احساس می‌کنیم نیاز به تغییراتی در آن وجود دارد، نه به صورت رسمی، بلکه به صورت غیررسمی، مورد بازبینی قرار دادیم. حرکت خوب و سازنده‌ای هم تا به حال در طی یک سال گذشته وجود داشته است. از سال ۷۲ تا سال گذشته تلاش‌های ما برای تشکیل یک کارگاه آزمایشگاهی کتابداری متمرکز نبود. خوشبختانه در سال گذشته ما توانستیم این آزمایشگاه را تحت عنوان «پایگاه آموزشی پژوهشی و اطلاع‌رسانی گروه» راه‌اندازی کنیم. در حال حاضر حداقل هشت رایانه در این سایت وجود دارد که دو تایی آن‌ها به اینترنت وصل است که در دروس مختلف استفاده می‌شود، ویدئو پروژکتور در کلاس نصب شده که اساتید و دانشجویان در کارهای عملی‌شان از آن استفاده می‌کنند. هر چند مشکلات و کمبودهایی وجود دارد که من شخصاً به دنبال حل آن‌ها هستم. هدف گروه هم ارتقای آموزش و هم پژوهش بوده است. از سوی دیگر تلاش می‌کردند که در سطح آموزشی به سطح کارشناسی ارشد برسد. علت این مسأله هم این بود که در شورای آموزشی و پژوهشی که در دانشکده ایجاد می‌شد، اولویت‌های بیشتری برای گروه‌هایی قائل بودند که دارای مقطع کارشناسی ارشد و دکتری هستند، و کمتر به گروه‌هایی که تنها در مقطع کارشناسی پذیرش دانشجویان داشتند توجه می‌شد. تا به حال تلاش مثبت بوده و توانستیم جایگاه گروه کتابداری را تثبیت کنیم، امیدوار هستیم که با برنامه ریزی‌هایی که صورت می‌گیرد این وضعیت بهبود پیدا کند.

بنی‌اقبال: آقای دادرس شما به عنوان دانشجوی تازه از تحصیل فارغ شده چه نظری دارید. در ضمن شما



دادرسی:

همیشه جامعه‌عالی هستند که از نظر فکری در این فرآیندها می‌توانند کمک کنند و اطلاع نداشتن آن‌ها از این فرآیندها طبیعتاً محرومیتی را برای خود این دپارتمان‌ها ایجاد می‌کند، زیرا از نظرات این جامعه فعال و خلاق محروم می‌شوند

در انجمن کتابداری و در کمیته بازنگری هم فعالیت دارید، دیدگاه‌های هم سلکان خود را در صورت امکان مطرح فرمایید.

دادرسی: من عضو انجمن کتابداری هستم و در جلسات هیأت مدیره هم به صورت میهمان حضور پیدا می‌کنم. در مورد تصمیمات و فعالیت‌های انجمن آقای دکتر فتاحی توضیحات کاملی ارائه دادند، اما موضوعی که من می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که انجمن یا کلیه دپارتمان‌ها و گروه‌های درسی در دانشگاه‌ها برای ایجاد یک حاشیه امنیتی بهتر و پرمحتوا کردن این فرآیند که شامل بازنگری یا به عبارتی بهتر پرکردن چالش‌ها در آموزش کتابداری است، باید از نظرات سایر کسانی که به نوعی در این فرآیند می‌توانند مؤثر باشند بیشتر استفاده کنند.

برای رسیدن به این امر به نظر من خیلی بهتر بود که حاصل کارهای خود را به نوعی منتشر می‌کردند. حالا این انتشار می‌توانست در سطح عمومی یا سطح خصوصی تری صورت بگیرد، چرا که همیشه جامعه‌عالی هستند که از نظر فکری در این فرآیندها می‌توانند کمک کنند و اطلاع نداشتن آن‌ها از این فرآیندها و اینکه این فرآیند در چه جا و چه میسری قرار دارد، طبیعتاً محرومیتی را برای خود این دپارتمان‌ها ایجاد می‌کند، زیرا از نظرات این جامعه فعال و خلاق محروم می‌شوند. تا اینکه این گروه‌ها بررسی‌هایی انجام دهند، موضوعاتی را به تصویب برسانند و بعد از این مرحله آن‌ها را انتشار دهند و بعد عده‌ای بیابند و ببینند در این زمینه چالش‌هایی وجود دارد و یا آیا این بازنگری موفق و جامع بوده است یا خیر.

بنی‌اقبال: نکته‌ای که تا بحال وجود داشت این بود که سه تن از سخنرانان در صحبت‌هایشان اشاره کردند که وضعیت آموزش در ایران در شرایط بحرانی وجود ندارد. مقایسه‌ای که در ذهن بوجد می‌آید، این است که در ابتدای شکل‌گیری آموزش کتابداری از نظر کمیت عده‌اندکی به آموزش کتابداری جذب شدند، ولی با این حال تقریباً در طول نزدیک به یک دهه که این آموزش انجام شد، اکثریت دانش‌آموختگان آن امروز از پیشکسوتان علم کتابداری هستند. در مقایسه آن قلت جمعیت، این انتظارات شکل می‌گیرد که با توسعه آموزش کتابداری و گسترش کمی آن، باید نوابغ علمی بیشتری شکوفا گردند. حالا مسأله بر سر این است که آیا توقع ما نسبت به آموزش کتابداری افزایش یافته و تصور می‌کنیم که بحرانی است یا اینکه به علت نبودن اطلاعات و آمار و هم چنین طبق گفته‌های دکتر فتاحی به علت عدم ارائه گزارشی از موفقیت‌های کتابداران کشور که پست‌های کلیدی از نظر علمی و کاربردی دارند و یا توجه بیش از حد به جنبه‌های منفی، گزارش‌های مثبتی از عملکرد کتابداری ارائه نمی‌گردد. در آخرین جلسه انجمن کتابداری که در آن حضور داشتم، تنها خاطره مثبتی که در ذهن من مانده است، گزارش‌هایی بود که آقای حافظیان از خبرهای خوب کتابداری ارائه دادند. از جمله اینکه پروپوزال آقای کیوان کوشا در میان صد پروپوزال ارائه شده به یک مرکز پژوهشی در آمریکا برنده جایزه شده است. این نشان می‌دهد که طبق گفته‌های دکتر فتاحی ما دارای موفقیت‌هایی در آموزش کتابداری هستیم، اما شاید عدم اطلاع، عدم ارائه گزارش و یا بالا رفتن توقعات باعث شده است این موضوع شکل دیگری به خود بگیرد.

مسأله دیگری که در صحبت‌های سخنرانان متفاوت دیده شد، موضوع گرایش‌ها است، آیا گرایش‌ها در کتابداری لازم است، آیا در صورتی که ما دانشجویان را به صورت قوی با استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعات آموزش دهیم و به سطح کارشناسی یا کارشناسی ارشد به صورت عمومی برسانیم، در تخصص‌های مختلف موفق نخواهند بود. در گذشته که گرایشی وجود نداشت، پیشکسوتان این حوزه خیلی خوب توانستند در تخصص‌های مختلف موفق عمل کنند. آیا باید این گرایش‌ها توسعه یابد، کم شود یا به کلی از بین برود.

موضوع دیگری که در صحبت‌های دو نفر از سخنرانان متفاوت بود، این بود که خانم دکتر باقری عنوان کردند که وزارت آموزش عالی این مجوز را به همه گروه‌های کتابداری داده است تا تغییرات لازم را در درس‌ها بوجود آورند و آقای جلالی گفتند که منتظر هستند در آینده به صورت رسمی از بالا به پایین این تغییرات دستور



بنی اقبال:  
در ابتدای شکل‌گیری آموزش کتابداری از نظر کمی عدد اندکی به آموزش کتابداری جذب شدند، ولی در طول نزدیک به یک دهه که این آموزش انجام شد، اکثریت دانش‌آموختگان آن امروز از پیشکسوتان علم کتابداری هستند

داده شود، گرچه به صورت غیررسمی تغییراتی را ایجاد کرده‌اند. در اینجا از دکتر فتاحی تقاضا می‌کنم که در این زمینه نظرات خود را بفرمایند.

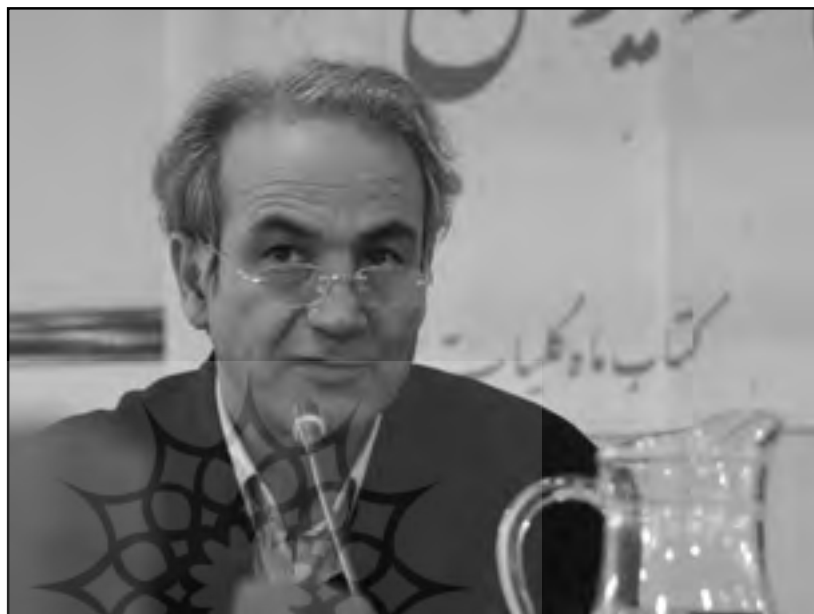
فتاحی: نکته‌ای که در ابتدا باید به آن اشاره داشته باشیم این است که همان‌گونه که نباید با نقد منفی همه چیز را سیاه جلوه داد، از سوی دیگر نباید از وجود کاستی‌ها و کمبودهای آموزش کتابداری در ایران غافل ماند. از اولین مقاله‌ای که آقای دکتر ابرامی با عنوان «گره‌گور آموزش کتابداری» در ۳۰ سال پیش ارائه دادند تا بحال ما همچنان با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستیم، که دلایل ساختاری است. بدین معنی که بین نظام‌های کلان کشور هماهنگی وجود ندارد و این منجر به مشکلاتی در آموزش می‌گردد. به طور نمونه، انقطاع یا بریدگی بین آموزش و نیاز جامعه موضوعی است که نظام مدیریتی به بسیاری از رشته‌ها تحمیل کرد. در زمینه آموزش کتابداری بعد از انقلاب سیاست‌گذاری نظام مدیریتی به‌گونه‌ای شد، که آموزش کتابداری در مقطع کاردانی با هدف آموزش کتابدار برای کتابخانه‌های مساجد و روستاها تربیت شود. اما نظام مدیریتی هیچ‌گاه مجال استخدام کتابدار یا تشکیل و توسعه کتابخانه‌ها را بوجود نیاورد. بعد از مدتی نظام آموزشی به صورت خودبه‌خود به این نتیجه رسید که فارغ‌التحصیلان کاردان نمی‌توانند به نیازهای جامعه پاسخ دهند.

مشکلات دیگری در این زمینه وجود دارد، ما با تأخیر بعد پژوهش را وارد حوزه آموزش کتابداری کردیم. یکی از مشکلات مدل آموزش آمریکایی در قبل از انقلاب عدم توجه به پژوهش بود. بیشتر کسانی که در آن زمان پایان‌نامه می‌نوشتند، کارهای عملی ساده‌ای مثل تهیه کتابنامه، دستورالعمل‌ها و راهنماها را موضوع تحقیق خود انتخاب می‌کردند. این مشکلات که ذکر شد وجود دارد، منتهی باید به شکل منطقی با آنها برخورد کرد. اختیار دادن به دانشگاه‌ها برای بازنگری به این معنی نیست که همه دانشگاه‌ها این حق را داشته باشند. دانشگاه‌ها این اختیار را دارند که دارای هیأت ممیزه باشند، یعنی دانشگاه‌های قوی و مادر هستند که می‌توانند این تغییرات را در درس‌های تخصصی و پایه بوجود آورند.

نکته‌جالبی که باید به آن توجه کرد این که، در صورتی که تغییرات ایجاد شده در درس‌ها برای دانشگاه‌های مختلف خیلی متفاوت باشد، چند نکته را نشان می‌دهد، یکی اینکه، این تنوع دیدگاه بیانگر عدم وجه اشتراک فکری در شناخت نیازهای جامعه می‌باشد. دیگر اینکه خود سیستم آموزشی کلان کشور به زیرمجموعه خود اشراف ندارد، که خوشبختانه هنوز وارد آن مرحله نشده‌ایم. بر همین اساس وزارت علوم به برخی از دانشگاه‌های مادر اجازه داده است که در این زمینه پژوهش انجام بدهند و نتایج پژوهش را به وزارتخانه منعکس کنند. در ادامه وزارت علوم نتایج پژوهش را به همه دانشگاه‌ها ارائه می‌دهد تا درباره آن نظر بدهند. یعنی به این صورت نیست که اگر دانشگاه فردوسی یا اهواز برنامه‌ای را تدوین کردند، برای همه دانشگاه‌ها لازم‌الاجرا باشد.

در اصل بدین صورت است که این پژوهش‌ها به صورت طرح پژوهشی انجام می‌شود، و در پایان داوری می‌گردد. من شخصاً عهده‌دار طرح پژوهشی بازنگری در درس‌های کارشناسی ارشد هستم پس از اتمام طرح، آن را برای داوری به یکی از اساتید با سابقه برای داوری ارسال کرده‌ام، تا در نهایت پس از این مرحله به آموزش عالی ارائه شود. البته در طی تدوین این طرح اساتید بسیاری درباره آن اظهار نظر کرده‌اند که نام آن‌ها در ابتدای طرح موجود می‌باشد، تا شبیه هرگونه یکسونگری برطرف گردد. نهایت کار این است که ما دیدگاه‌های مشترکی خواهیم داشت و در مورد درس‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد به یک توافق نسبی در برنامه‌ریزی آموزشی خواهیم رسید. اما درباره گرایش‌ها که درباره آن صحبت شد، باز هم به دلیل انقطاع بین نیازهای کشور و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، متأسفانه گرایش‌ها جواب لازم را ندادند. به عنوان مثال دانشجوی کتابداری گرایش پزشکی ما امکان استخدام در کتابخانه‌های پزشکی را ندارد و جایی که امکان استخدام وجود دارد هرکسی با هر گرایشی ناچار است وارد شود.

بعد دوم اینکه، بسیاری از دانشجویان ما با توجه به گرایش، کار تخصصی انجام نمی‌دهند. به دلیل دور



فتاحی:  
انقطاع یا بریدگی بین  
آموزش و نیاز جامعه  
موضوعی است که نظام  
مدیریتی به بسیاری از  
رشته‌ها تحمیل کرده است

بودن از پژوهشگران و متخصصان آن حوزه، درگیر کار تخصصی مربوط به آن حوزه نمی‌شوند و معمولاً در پشت صحنه، کارهای روزمره مثل فهرست نویسی، سازماندهی و سفارش را انجام می‌دهند. اینکه با یک پژوهشگر همکاری نزدیک داشته باشند و خدمات اطلاع‌رسانی گزینشی که نیاز به گرایش دارد را در اختیار پژوهشگر قرار دهند موفق نبود. بهمین دلیل رؤسای دانشگاه‌های علوم تربیتی در دو یا سه نشست سراسری به این نتیجه رسیدند که در حوزه علوم انسانی گرایش‌ها را حذف کنند، از جمله در علوم تربیتی گرایش برداشته شده است، در کتابداری هم توصیه می‌شود گرایش حذف شود. ما هم در سطح کارشناسی ارشد گرایش‌های موضوعی را به دلیل عدم پاسخگویی به نیاز جامعه حذف کرده‌ایم و گرایش‌های حرفه‌ای مانند «مدیریت اطلاعات» و «فناوری اطلاعات» را جایگزین کرده‌ایم. من فکر می‌کنم که هدف ما باید بوجد آوردن یک دانش عمومی در دانشجویان صرف نظر از گرایش باشد. چنانچه کتابداری در جایی استخدام شد، آموزش‌های ضمن خدمت و کوتاه مدت باید به نیازهای وی پاسخ دهد. این کار را سازمان‌های آموزشی، انجمن و گروه‌های کتابداری می‌توانند عهده‌دار شوند، زیرا تنها در شرایط اشتغال است که آموزش‌های ضمن خدمت با گرایش خاصی می‌تواند معنا یابد.

بنی‌اقبال: دقیقاً این سؤال از اینجا برای من مطرح شد، که من در کلاس‌های درس هنگامی که اهداف مقاطع تحصیلی را برای دانشجویان تشریح می‌کنم، هدف مقطع‌گردانی و دلیل شکل‌گیری آن را مدیریت در کتابخانه‌های روستایی یا کتابخانه کوچک و همکاری با کتابداران خیره در کتابخانه‌های بزرگ اعلام می‌کنم. اما اینکه شخصی با مدرک‌گردانی مدیریت کتابخانه یک دانشگاه بزرگ را بر عهده می‌گیرد، این‌ها مشکلات اجرایی است که دلپش را همان‌طور که دکتر فتاحی فرمودند، می‌تواند بیمار بودن ساختار کلی مدیریت باشد که منجر به شکل‌گیری یک سیکل معیوب در نظام آموزشی کشور می‌گردد و کاری از دست ما ساخته نیست. باز من تأیید می‌کنم اگر ما در اصول و مبانی، آموزش‌های تخصصی به دانشجویان بدهیم، آموزش‌های گرایشی را به صورت ضمن خدمت یا به صورت خودآموزی می‌توانند فراگیرند. اما مسأله‌ای که



بنی اقبال:  
 اگر ما در اصول و مبانی،  
 آموزش‌های تخصصی به  
 دانشجویان بدهیم،  
 آموزش‌های گرایشی را به  
 صورت ضمن خدمت یا به  
 صورت خودآموزی  
 می‌توانند فراگیرند

الان می‌خواهم مطرح کنم این است که در بازنگری‌های برنامه‌های آموزشی، برای مواد و خدمات کتابداری کودکان و نوجوانان تنها ۲ واحد درسی اختصاص داده شده است. در حالی که اعتقاد من این است که کتابداری ما باید به ادبیات کودک و نوجوان واکنش وسیع‌تری نشان بدهند. در قالب ۲ واحد درس همراه، هم مواد و هم خدمات برای کودکان و نوجوانان نه توان و نه امکان آن وجود دارد که در کتابداران ما آن انگیزه‌های لازم برای خدمت به کودکان و نوجوانان ایجاد شود. بخصوص در این ایام که تعداد زیادی از دانش‌آموختگان ما با توجه به امکاناتی که از نظر جذب برای آن‌ها بوجود آمده در کتابخانه‌های عمومی مشغول بکار می‌شوند. من اعتقاد دارم که در اینجا همان مسأله ذات نایافته از هستی بخش صادق است. ما باید آموزش خدمات و مواد را از هم جدا کنیم، آموزش مواد را بعهده کسانی که خودشان تولیدکننده ادبیات کودکان و نوجوانان هستند و توان تحریک علاقه دانشجویان را دارند واگذار کنیم و در ۲ واحد دیگر خدمات را ارائه دهیم، که شامل انواع و اقسام خدمات مورد نیاز کودکان و نوجوانان است. در حقیقت اعتقاد من این است که آموزش کتابداری در ایران بیشتر به جنبه خدمات تخصصی و دانشگاهی تأکید دارد و کمتر به کتابخانه‌های عمومی توجه شده است. به طور کلی نظر من این است که حتی در کارشناسی ارشد هم واحد ادبیات کودک و نوجوان داشته باشیم، تا پژوهش‌های ما مثل دهه ۴۰ و ۵۰ به سمت ادبیات کودک و نوجوان سوق پیدا کند. در حال حاضر پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری شاید یک درصد به ادبیات کودکان اختصاص دارد. در حالی که من اعتقاد دارم که پایه و اساس کودکان و نوجوانان هستند و کتابداری نگاهش باید به این نسل باشد، زیرا فعالیت کتابداران ما در این حوزه می‌تواند به طرز تأثیر پذیری منجر به افزایش سطح مطالعه کتاب و کتابخوانی گردد. در اینجا از خانم دکتر باقری تقاضا دارم نظر خود را بفرمایند.

باقری: من می‌خواهم در مورد مسأله بحرانی بودن وضعیت آموزش کتابداری صحبت کنم، چون الان امکان آنکه به تک‌تک درس‌ها بپردازیم وجود ندارد. من کاملاً با نظر خانم رها دوست در مورد بحرانی بودن وضعیت آموزش کتابداری موافق هستم و این نه به معنی این که وضع خراب است، خوشبختانه همین که بیماری شناخته شده است، بسیار جای امیدواری است. مسأله دیگر این که ما از گروه‌های کتابداری خیلی خوش شانس هستیم. دانشگاه الزهرا به خاطر تبرک اسم حضرت زهرا (س)، رئیسی دارد که وسعت دید و سعه صدر بالایی دارد. به همین دلیل فقط به گروه‌های خاصی توجه ندارد، و هر بار ما هر چه نیاز داشته‌ایم، امکانات لازم را در اختیار ما قرار داده است.

هم چنین رئیس دانشکده بسیار فهیمی داریم. بنابراین ما در حال حاضر تمام آنچه که می‌شود آرزوی آن را در حوزه آموزش داشت، داریم. هر چقدر که بخواهیم رایانه و وسایل کمک‌آموزشی و تکنولوژی در اختیار ما است. همکارهای خیلی خوبی داریم و در گروه هر کس تخصصی دارد که باعث می‌شود کمبودهای یکدیگر را جبران کنیم، اگر آموزش کتابداری شکل لازم را پیدا نکند، فرصت را از دست می‌دهد. الان این فرصت و امکان در اختیار ما قرار داده شده تا پایه را طوری طراحی کنیم، که فرصت بازنگری مجدد وجود داشته باشد. و به نحوی برنامه‌ریزی گردد که برنامه‌ها مرتب روزآمد شوند. آن کسی که اولین برنامه کتابداری را تدوین کرده مسلماً بهترین برنامه را نوشته است، ولی در حال حاضر فاقد کارایی لازم است. مسلماً ۱۰ سال دیگر ما نمی‌توانیم بگوییم که برنامه‌ای که امروز تدوین کرده‌ایم، بی‌نقص خواهد بود. بنابراین در حال حاضر بایستی، به حساسیت مسأله توجه کرد که برنامه طوری طراحی شود که امکان بازنگری مجدد در آن همیشه وجود داشته باشد. نباید این تصور در ذهن ما شکل بگیرد که این برنامه بهترین است و هیچ ایراد و اشکالی ندارد. باید این امکان را بوجود آوریم که همه بتوانند نظرات خود را ارائه دهند، برنامه‌ها در دانشگاهی می‌تواند نقاط قوتی داشته باشد، که مجموعه این نقاط قوت می‌تواند سیم‌رغی باشد که ما را به قله موفقیت برساند.

بنی اقبال: نظری در مورد ادبیات کودک ندارید، چون مهم است که این موضوع تا چه حد دغدغه گروه‌های آموزشی است.

باقری:

آن کسی که اولین برنامه کتابداری را تدوین کرده، مسلماً بهترین برنامه را نوشته است، ولی در حال حاضر فاقد کارایی لازم است. باید به این مسأله توجه کرد که برنامه طوری طراحی شود که امکان بازنگری مجدد در آن همیشه وجود داشته باشد

باقری: ما به موضوع مواد و خدمات برای کودک و نوجوان پرداخته ایم، و سرفصل درس را هم تا حد امکان تقویت کردیم. اما تصور من این است که جای ادبیات کودک و نوجوان در مقطع کارشناسی ارشد است، زیرا به نوعی بحث تخصصی است. در مقطع کارشناسی می‌توانیم کتابدار خوب تربیت کنیم، کتابداری که از عهده مدیریت یک کتابخانه متوسط برآید و در کتابخانه‌های بزرگ بتواند کارهای فنی را درست انجام دهد. پرداختن به ادبیات کودک موقوف به کارشناسی ارشد می‌شود که در آنجا همان طور که کتابدار متخصص دانشگاهی یا اطلاع‌رسانی تربیت می‌کنیم، کتابدار متخصص کودک و نوجوان هم داشته باشیم.

جلالی: چند نکته را یادداشت کرده‌ام که قصد دارم به آن‌ها بپردازم، یکی این است که تغییراتی که در برنامه‌های درسی ایجاد شده منحصر به رشته کتابداری نمی‌باشد. این نیاز همه گروه‌های آموزشی بوده است و روی همین اصل است که عنوان می‌کنم مشکلات آموزش کتابداری نقطه بحرانی رشته کتابداری نمی‌باشد. این معضل هم بدین دلیل شکل گرفته است که بین تدوین کتاب‌های درسی و بازنگری در آن‌ها یک فاصله زمانی خیلی طولانی ایجاد شده است. در حال حاضر هم در صورتی که در کلیه رشته‌ها بازنگری صورت بگیرد و بعد این روند متوقف شود تا چند سال آینده، همین مشکلات امروزی مجدداً بوجود می‌آید. بدین ترتیب، توجه به این نکته که بازنگری درس‌ها باید حالت پیوسته و تداومی داشته باشد، مهم است. در گروه کتابداری هم وضع به همین منوال است، بازنگری باید صورت بگیرد و در آینده تداوم پیدا کند. مسأله بعدی که شاید منجر به این وضعیت شده این است که، همان طور که خانم دکتر بنی اقبال اشاره کردند، رشته کتابداری کار خودش را در ابتدا با گروه اندکی شروع کرد، در حال حاضر این نقص، به رده‌های بالاتر حوزه علمی منتقل شده است. اندک بودن افراد متخصص در کتابداری و اشتغالات متعدد آنان باعث شده است که علی‌رغم علاقه، افراد نتوانند در مجامع علمی به صورت منظم حضور پیدا کنند، ولی برنامه بازنگری در درس‌های کتابداری نشان داد که علاقه‌مندی زیادی در این زمینه وجود دارد. مطلب بعدی که باید اشاره کنم، برداشتی بود که از نقطه نظرات من در مورد گرایش‌ها ایجاد شد. دیدگاه من هم تأیید وجود گرایش نبود، بلکه باید به اصول و مبانی رشته‌بهای بیشتری داده شود. اگر به موضوع گرایش‌ها پرداختم، بدین دلیل بود که در جلسات انجمن مشاهده می‌شد که اظهار نظرهای متفاوتی روی موضوع گرایش‌ها وجود دارد. از سوی دیگر گرایش‌های خاصی در برخی از گروه‌ها وجود دارد. به عنوان مثال در یک مقطع زمانی، همایشی برگزار می‌گردد که عنوان آن فقط همایش «اطلاع‌رسانی و کتابداری در حوزه پزشکی» است. این نشان می‌دهد دیدگاه‌های خاصی وجود دارد.

هدف من از طرح این بحث بوجود آوردن گرایش‌هایی در مقطع کارشناسی نیست. هدف من این بود که در بازنگری برنامه‌های درسی شرایطی فراهم شود که کمیته‌های فرعی را بوجود آورد که نیازها و گرایش‌های متفاوت کتابداری را شناسایی و بررسی کند و این نیازها را در بازنگری برنامه‌های درسی اعمال کند. در مجموع باید بازنگری کلی صورت بگیرد، ولی از سوی دیگر باید دست گروه‌ها برای ایجاد تغییراتی در آن باز باشد، و در تمام دنیا دانشگاه‌ها این اختیار را دارند که برنامه‌های خود را بر مبنای نیازهایشان تدوین نمایند. مطلب بعدی که مربوط به درس مواد و خدمات برای کودکان می‌باشد، تصور می‌کنم عدم توجه به این موضوع درسی به کوتاهی گروه‌ها یا انجمن مرتبط نمی‌باشد. احتمالاً معلول نیازهای فراوان جامعه در حوزه کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی است، و از سوی دیگر عدم سرمایه‌گذاری در تربیت و بازآموزی افراد و هم‌چنین توجه به علایق افراد است. اگر بر روی موضوع خاصی تأکید شود که مورد علاقه افراد نباشد، توفیق چندانی حاصل نخواهد شد. به عنوان مثال ما در رشته کتابداری شاهد هستیم که دانشجویان علاقه‌مند هستند که تنها در حوزه فناوری اطلاعات به اشتغال دست پیدا کنند. تغییر این نگرش نیاز به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کافی دارد.

دادرسی: من در ادامه صحبت قبلی‌ام که حفظ یک نگاه همه جانبه و استراتژیک به مسأله است،

جلالی:

اندک بودن افراد متخصص در کتابداری و اشتغالات متعدد آنان باعث شده است که علی رغم علاقه، افراد نتوانند در مجامع علمی به صورت منظم حضور پیدا کنند

می خواهم صحبت کنم. اما سؤالی که برای من بوجود آمده این است که همه مشکلات آموزش کتابداری به سرفصل ها و درس های آن خلاصه می گردد؟ آیا فعالیت هایی که تا بحال صورت گرفته جنبه های دیگر قضیه را در نظر گرفته است؟ و ما چه زمانی قصد داریم ابعاد دیگر این موضوع را مورد بحث قرار دهیم؟

بنی اقبال: هنگامی که این تصمیم گرفته شد که در ویژه نامه ای به بررسی مشکلات آموزش کتابداری پرداخته شود، به این نتیجه رسیدیم که با توجه به حجم و فرمت کتاب ماه کلیات از چهار جنبه به بررسی مشکلات آموزش کتابداری در ایران بپردازیم. ۱. سرفصل های درس؛ ۲. ابزار آموزشی؛ ۳. محیط های آموزشی؛ ۴. مدرسان آموزش کتابداری؛ چون پرداختن به این حجم کار مشکلی بود، عنوان این نشست را به سرفصل های درس کتابداری اختصاص دادیم. یا به طور کلی برنامه درسی و ابزارهای آموزشی، که من شک دارم حتی بتوانیم بخش دوم را هم در این جلسه پوشش بدهیم و ۲ یا ۳ بعد دیگر می ماند برای زمان دیگری که اگر این فرصت در اختیار ما قرار گرفت به بررسی آن ها بپردازیم.

دارس: این موضوع مشکل همیشگی را در ذهن من تداعی می کند و آن این است که ما با یک نگاه سیستمیک حل یک مسأله جزئی را انتخاب می کنیم و شروع به کار کردن بروی آن می کنیم، شاید از بقیه اجزا هم نام ببریم. اما این سیستم را هیچ گاه مکتوب نمی کنیم. بخاطر همین ممکن است که در آینده ما به آن اجزا بپردازیم یا نپردازیم. پیشنهاد من این است که یک «رودمپ» (Roadmap) نقشه راه، تهیه کنیم که در آن تمام ابعاد و اجزای مشکلات آموزش کتابداری، کلیات و رابطه آن ها با یکدیگر لحاظ شده باشد. این راه به عنوان الگو برای حرکت گروه هایی که قرار است بروی آن کار کنند، به عنوان مبنا قرار دهیم و از آنجا شروع به حرکت کنیم. در سیستم های مهندسی به این صورت است که عنوان می گردد نقطه شروع حرکت اینجاست، هدف هم این است و در طی این مراحل قصد داریم از شروع تا پایان حرکت کنیم، و در فاز اول هم به این موضوع می پردازیم. فکر می کنم که اگر جامع بینی خود را در ابتدا اعلام کنیم تا گروه های هدف ما از برنامه هایمان مطلع شوند، از اهداف خود کمتر منحرف می گردیم. یادآوری کنیم به مخاطبان که نگاه ما متوجه همه ابعاد قضیه هست و مثلاً در فاز اول به مشکلات سرفصل ها می پردازیم.

بنی اقبال: کاملاً حق باشماست، ولی مسأله بر سر این است که من حتی شک دارم با استقبالی که از این جلسه شده است، کتاب ماه کلیات ویژه نامه دیگری در موضوع کتابداری داشته باشد. بهمین دلیل هیچ وعده ای برای انجام هیچ کاری نمی دهم و اعلام می کنم که قصد ما این بود که در این نشست به ابعاد سرفصل ها و ابزار آموزش و در نشست دیگری به ۲ بعد دیگر بپردازیم.

اما غافل نباشیم که ماهنامه کتاب ماه کلیات هیچ وظیفه ای در قبال مشکلات آموزش کتابداری ندارد و برای خود دستورالعمل و وظایفی دارد که بیش از آنکه به آموزش بپردازد، به ابزارهای آموزش توجه دارد. یعنی حجمی را که می تواند در نقادی درس دانشگاهی به آن اختصاص دهد، کمک بزرگی می تواند باشد. موضوعی که در اینجا دو تن از سخنرانان بدان اشاره داشتند این بود که بازنگری باید تداوم داشته باشد، اما ترس من از این است که در مملکت ما تمام فعالیت ها قائم به فرد است. گاهی فردی در پستی قرار می گیرد که دارای توانایی ها، لیاقت ها و تفکراتی است که می تواند منشأ دگرگونی و تحول باشد. اما کافی است این فرد به عللی نتواند با گروه همکاری داشته باشد، در این حالت نه تنها آن جریان به وجود آمده متوقف می شود، بلکه بسیاری از رشته ها پنبه می گردد. به این دلیل من دعا می کنم که به انجمن کتابداری این توفیق را بدهد که از کمک های فکری و عملی آقای دکتر فتاحی بهره ببرد، تا زمانی که یک جریان فعال و پرکار برای آموزش در انجمن ایجاد گردد.

فتاحی: در مورد ادبیات کودکان و نوجوانان، بدلیل جدایی بین عرضه و تقاضا بهای چندانی به این درس داده نشد. من فکر می کنم اگر قرار است در این حوزه کاری صورت بگیرد باید در مقطع کارشناسی باشد، زیرا عموماً اکثر کتابداران کانون های پرورشی و فکری کودکان کارشناس می باشند و کمتر کارشناس ارشدی در

این حوزه فعالیت می‌کند. ضمن اینکه ما در این زمینه با کمبود افراد متخصص مواجه هستیم. متأسفانه چون کانون پرورش فکری استخدامی در زمینه کتابداری ندارد و خود رأساً اقدام به استخدام و آموزش افرادی غیرمتخصص برای این حوزه می‌کند، برنامه‌ریزی ما در این زمینه چندان مثمر نخواهد بود، در نهایت ما فارغ التحصیلانی داریم با دانش ولی عملاً کاری در این زمینه انجام نخواهند داد. با وجود اینکه ما اگر به دنبال توسعه واقعی هستیم باید برای سنین پایین برنامه‌ریزی کنیم و رشد واقعی در این صورت در جامعه محقق می‌گردد.

**دادرسی:**  
**اگر جامع بینی خود را در**  
**ابتدا اعلام کنیم تا**  
**گروه‌های هدف ما از**  
**برنامه‌هایمان مطلع شوند،**  
**از اهداف خود کمتر منحرف**  
**می‌گردیم**

بنی‌اقبال: یکی از نکاتی که آقای دادرسی در صحبت‌هایشان به آن اشاره کردند این بود که باید برنامه‌ای را تنظیم کرد، به نحوی که همه علاقه‌مندان امکان شرکت در آن داشته باشند، افراد مورد نظر که باید سخنرانی کنند تعیین شوند و چند نفر هم به صورت داوطلبی اظهار نظرهایشان را به صورت شفاهی اعلام نمایند و یا اینکه به صورت کتبی نظرات خود را به کمیته ارائه دهند تا به گروه بازنگری منعکس گردد. ذکر نکته‌ای اینجا لازم است و آن اینکه همان طوری که از مدیران گروه‌های کتابداری دانشگاه‌ها در تهران برای حضور در این جلسه دعوت شد از مدیران گروه‌های کتابداری شهرستان‌ها هم خواسته شد نظرات خود را به صورت کتبی برای ما ارسال دارند تا در هنگام انتشار این ویژه‌نامه منعکس گردد. ولی متأسفانه این دعوت ما تا بحال هیچ گونه بازخوردی نداشته است.

فتاحی: انجمن کارآموزش کتابداری خود را ادامه می‌دهد، البته نه در زمینه بازنگری بلکه در زمینه بررسی منابع آموزشی و بررسی کیفیت گروه‌های کتابداری (اعتبار بخشی) و پیشنهاد حذف و توسعه برخی مقاطع تحصیلی در سطح کشور را پی‌گیری می‌کند. ضمن اینکه به مسائل آموزشی اساتید هم در قالب دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و برگزاری کارگاه‌ها پرداخته می‌شود. یک واقعیت تلخی که وجود دارد این است که بسیاری از همکاران ما ۲۵ تا ۳۰ سال پیش آموزش دیده‌اند و در این مدت امکان بازآموزی نداشته‌اند و آموزش عالی هم به این قضیه چندان اهمیت نداده است. امروز که بحث فناوری اطلاعات مطرح شده مقاومت‌هایی در برابر این درس‌ها نشان داده می‌شود که این موضوع رابطه مستقیمی با من استاد دارد. بنابراین بحث بازآموزی خیلی می‌تواند مهم باشد. یک نکته دیگری هم که در مورد مشکلات آموزش کتابداری مطرح است و متأثر از نظام کلان کشور می‌باشد، افزایش فوق‌العاده زیاد گروه‌های آموزشی کتابداری است. در دانشگاه جامع علمی - کاربردی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی در شهرهای خیلی کوچک گروه‌های زیادی با یک نفر متخصص تشکیل شده‌اند.

دانشگاه پیام نور با دو عضو هیأت علمی قصد دارد ۲۲ گروه آموزشی را اداره کند و این از مشکلات اساسی آموزش کتابداری در حال حاضر می‌باشد. نکته دیگر اینکه، ارزیابی اعضای هیأت علمی به صورت استاندارد و کارآمدی صورت نمی‌گیرد و به عقیده من در صورتی که هر عضو هیأت علمی توان و قابلیت تدریس نداشته باشد باید مانع از ادامه کار وی شد، چون نتیجه عکس در آموزش دارد و باعث دلزدگی دانشجویان می‌گردد. بنابراین روی این ابعاد باید کار شود و مقاومت‌هایی که در برابر فناوری‌های نوین اطلاعات صورت می‌گیرد باید کم رنگ تر گردد که در این زمینه نقش نشریات تخصصی و آموزشی همچون کتاب ماه کلیات می‌تواند مؤثر باشد.

بنی‌اقبال: در یکی از برنامه‌های آموزش کتابداری در تلوویزیون در عصرهای دوشنبه اشاره کردید بیش از ۸۲ گروه آموزش کتابداری در کشور وجود دارد و برای من خیلی تعجب آور بود و شرایطی را تجسم می‌کرد که خانم رها دوست بگویند: بعضی از گروه‌های کتابداری اشغال شده‌اند، حرف خیلی قشنگی است. بسیاری از مواقع با یک تلفن از بالا مدیریک گروه آموزشی کتابداری تعیین می‌شود و بسیاری اوقات فاقد کارآیی و درایت لازم است. من اعتقاد دارم که این از وظایف انجمن است که به سمتی حرکت کنیم که در آینده همچون کشورهای مترقی دنیا هر گروه کتابداری وقتی قصد استخدام فردی را دارد از او بخواهد که

**فتاحی:**  
**ارزیابی اعضای هیأت**  
**علمی به صورت**  
**استاندارد و کارآمدی**  
**صورت نمی‌گیرد و به**  
**عقیده من در صورتی که**  
**هر عضو هیأت علمی**  
**توان و قابلیت تدریس**  
**نداشته باشد باید مانع از**  
**ادامه کار وی شد، چون**  
**نتیجه عکس در آموزش**  
**دارد و باعث دلزدگی**  
**دانشجویان می‌گردد**

اعتبارنامه‌اش را از انجمن کتابداری بگیرد و هر مدرسی که خواهان ارتقا است گواهی کیفیت کاری خود را از انجمن کتابداری بگیرد، اما این شرایط مستلزم آن است که انجمن آن گونه که باید کار بکند تا بتواند در این زمینه اعمال نظر نماید.

درباره آموزش‌ها به اعتقاد من یکی از وظایف انجمن آگاه کردن تصمیم‌گیران مملکت در مورد اعطای بورس‌های تحصیلی به استنادی است که در گروه‌ها تحصیل می‌کنند و از زمان دریافت مدرک آن‌ها سال‌ها می‌گذرد و نیاز به دوره‌های تکمیلی برای بازآموزی دارند، اما وزارت علوم برای این مسأله آیین‌نامه و الزامی ندارد که انجمن می‌بایست در این زمینه بیشتر فعالیت کند.

فتاحی: از طرف انجمن نامه‌ای در حال تدوین است که خطاب به وزیر از وضعیت لجام گسیخته و رشد بی‌رویه گروه‌های آموزش کتابداری انتقاد می‌کند و تأسف بارترین است که سه دبیرستان کار و دانش در مشهد و یکی در نیشابور اقدام به ارائه دیپلم کار و دانش در رشته کتابداری کرده‌اند. این در حالی است که استخدام در مقطع دیپلم به هیچ عنوان وجود ندارد و کار و دانش اساساً به این دلیل شکل گرفته که خلأهای فنی را پر کند و کارآفرین باشد نه اینکه در رشته‌هایی همچون کتابداری اقدام به آموزش بنماید که بدلیل عدم کارایی مقطع کاردانی آن هم باید حذف شود. برای حرفه‌ای که ادعا می‌کند علمی است، افت دارد که دیپلم تخصصی داشته باشد. در کشورهای دیگر کم‌کم دوره کارشناسی هم در حال حذف شدن است، در استرالیا مقطع کارشناسی کتابداری وجود ندارد. این انتقاد را نوشته‌ایم که برای وزیر علوم بفرستیم و اعلام آمادگی کنیم که انجمن در زمینه اعتبار بخشی گروه‌های کتابداری آماده همکاری است. از طرف دیگری از همکاران مادر گروه کتابداری مشهد طرحی را در دست اجرا دارد در زمینه اعتبار سنجی گروه‌های کتابداری، مقدمات آن فراهم شده، بخشی از مطالعات اولیه آن هم انجام شده است که می‌تواند شاخص کیفی مفیدی برای ارزیابی سطح آموزش در گروه‌ها باشد. نکته دیگر مسأله اعطای بورس‌های خارجی است، اگر چه ۵ گروه آموزشی در مقطع دکتری اقدام به پذیرش دانشجوی دکتری می‌نمایند، با وجود این بدلیل فاصله علمی بین داخل و کشورهای پیشرفته کماکان اعطای بورس برای گذراندن دوره‌های دکتری در خارج از کشور الزامی است. طرح این موضوع باعث شد تا نامه مستقلی هم در زمینه اعزام به خارج به وزارت علوم بفرستیم و تقاضا کنیم بورس خارج از کشور را در زمینه کتابداری قطع نکنند.

بنی‌اقبال: این موضوع حتی لازم است بعد از سطح دکتری ادامه پیدا کند. مسأله‌ای که قصد دارم ذهن شما را به آن حساس کنم، مخالفت با آموزش کتابداری در مقاطع پایین است و باید هر چه زودتر جلوی این قضیه گرفته شود. از جمله آموزش پودمانی، نمی‌دانم تا چه حد اطلاع دارید که سطحی، غیر کاربردی و غیر علمی است که باید حتماً نسبت به آن واکنش لازم نشان داده شود.

جلالی: چند نکته که باید به آن اشاره کنم این است که بعد از بازنگری‌هایی که صورت گرفته، لازم است همایشی در تهران یا چند همایش در مقیاس کوچک‌تر در شهرستان‌ها که این رشته تحصیلی را دارند برگزار گردد تا با بحث و بررسی و شنیدن نقطه نظرات مخالفان و موافقان به جمع بندی در زمینه بازنگری که در درس‌ها صورت گرفته است، برسیم. در ضمن در کنار همایش، کارگاه‌های آموزشی هم تشکیل شود. نکته دیگر ارزیابی کیفی گروه‌ها و تعداد زیاد گروه‌ها از لحاظ کمی و اعتبار بخشی به گروه‌هاست. خواهش من این است که در صورتی که انجمن این برنامه‌ها را در پیش دارد، قدری با احتیاط نسبت به این مسائل برخورد کنند. علت آن هم یکی این است که علی‌رغم اینکه باید کیفیت آموزش را بالا برد و مدرسان باید دانش و آگاهی کافی برای آموزش این رشته داشته باشند، اما مسأله این است که ما در حوزه کتابداری بخصوص در کتابخانه‌های آموزشی و روستاها مشکلات خیلی اساسی داریم. وقتی که آمار کتابخانه‌ها را در ایران و هند مقایسه می‌کنیم دیده می‌شود که در آنجا ۶۶ هزار کتابخانه روستایی وجود دارد، در حالی که در ایران شاید یک درصد این آمار هم کتابخانه روستایی وجود نداشته باشد. در مجموعه کتابخانه‌ها شامل آموزشگاهی،

بنی اقبال:  
این از وظایف انجمن است  
که به سمتی حرکت کنیم که  
هر گروه کتابداری وقتی  
قصد استخدام فردی را  
دارد از او بخواهد که  
اعتبارنامه اش را از انجمن  
کتابداری بگیرد و هر  
مدرسی که خواهان  
ارتقا است گواهی کیفیت  
کاری خود را از انجمن  
کتابداری بگیرد

روستایی و تخصصی هم همین وضعیت حاکم است. از یک طرف ما اشاره می‌کنیم، باید کتابخوانی را در جامعه رواج دهیم و از سوی دیگر اگر موانعی را بر سر راه آن ایجاد کنیم خیلی منطقی به نظر نمی‌رسد، حداقل انجام سریع این کار اصولی به نظر نمی‌رسد.

اکنون سازمان ستجش کشور طرحی در دست اجرا دارد که به ارزیابی درونی گروه‌ها می‌پردازد و این تصور وجود دارد که این ارزیابی درونی منجر به ارزیابی بیرونی گردد. این ارزیابی اعتبار کیفی گروه‌های آموزشی، چون دانشگاه خاصی متولی آن است، دانشگاه‌های دیگر را تحریک می‌کند که در برابر این حرکت موضع بگیرند و از خود مقاومت نشان دهند. خیلی‌ها اعتقادی به ارزیابی درونی گروه‌ها ندارند، علت آن هم این است که اگر با صداقت این کار صورت نگیرد، لطمه‌ای به آن دانشگاهی که مورد بررسی قرار گرفته وارد می‌گردد. به همین دلیل خواهش من این است که اگر قرار است حرکتی در این زمینه صورت بگیرد، بسیار سنجیده باشد. ما نیاز زیادی به گسترش کتابخانه‌ها داریم، نیاز به تربیت پرسنل حتی برای کتابخانه‌های موجود داریم. بنابراین اگر سعی شود جلوی افزایش بی‌رویه گروه‌ها گرفته شود و گروه‌های فعلی تقویت شوند، و اعتبار بخشی به گروه‌ها با آموزش افراد گروه‌ها صورت بگیرد مثمرتر خواهد بود.

باقری: جمع‌آوری محل‌های آموزش کتابداری در شهرستان‌های کوچک لطمه به آموزش می‌باشد، زیرا کسانی که در شهرهای بزرگ تحصیل می‌کنند حاضر نیستند در شهرهای محل اقامت خود کار کنند. مطلب دوم این است که جلب اعتماد بین اعضای هیأت علمی بوجود آید، و ارتباط بین گروه‌ها افزایش پیدا کند. واقعیت این است که خیلی از گروه‌ها همدیگر را قبول ندارند و این در بین کلیه رشته‌ها ملموس است، ولی در کتابداری بیشتر به چشم می‌آید. دیگر اینکه کمتر شعار بدهیم، کار کنیم و حاصل کار خود را عرضه کنیم، تا اعتماد دیگران هم جلب شود. موضوع دیگر اینکه توقع ما از انجمن کتابداری خیلی بالاست، ولی هنوز نتوانسته است اعتماد ما را جلب کند. فیلمی که دوشنبه‌ها از تلویزیون پخش می‌شود، موجب خوشحالی زیادی در بین ما شد که می‌دیدیم در ارتباط با رشته کتابداری فیلمی پخش می‌گردد. چه کسی از دیدن فیلم ناامید نشده است؟ در این فیلم راجع به موضوعات خاص صحبت می‌شود، و هر قسمت قرار است راجع به نوع خاصی از کتابخانه صحبت شود. آقای شمسبند در یک قسمت که راجع به کتابخانه‌های کودک و نوجوان صحبت می‌کنند، هنوز صحبت ایشان تمام نشده، کس دیگری راجع به کتابخانه‌های دانشگاهی شروع به صحبت کردن می‌کند، متأسفانه سعی نشده است که فیلم را به صورت موضوعی تهیه کنند تا بیننده به یک درک و برداشت از آن برسد. تصور کرده‌اند که مثل خیلی از فیلم‌ها افراد متعددی صحبت می‌کنند تا برنامه متنوع شود، اما فکر نکرده‌اند که این افراد صحبت‌هایشان باید با هم ارتباط منطقی داشته باشد. این فیلم آنقدر پراکنده است که برای خود ما هم که کتابدار هستیم گاهی رشته بحث از دستمان خارج می‌شود. آقای حافظیان رضوی، آقای فتاحی، آقای شمسبند همه از اعضای انجمن هستند که در این فیلم صحبت می‌کنند، اما کسی از این افراد جلوی این فیلم را نگرفته است، تا ویرایش مجدد شود و به صورت مناسبی نمایش داده شود. دانشجویان هم می‌گویند ما هنگامی که وارد این رشته شدیم دارای انگیزه خاصی نبودیم، تنها هدفمان قبولی و ورود به دانشگاه بود، این مسأله در جایی مطرح می‌گردد که ما دارای امکانات کافی و موقعیت مناسبی هستیم، پس چرا باید از این موقعیت ویژه استفاده نکنیم.

فتاحی: در تهیه این فیلم انجمن هیچ نقشی نداشته است، آقای بی به اسم علیزاده از سازمان صدا و سیما از آقای حافظیان تقاضا کرد که گرداننده برنامه باشند. از ابتدا قرار بود برنامه به صورت موضوعی تهیه گردد، ولی هنگام تدوین به این صورت درآمد و این موضوع از دست آقای حافظیان و انجمن خارج شده بود. تدوین فیلم نقص بزرگ فیلم است، به صورتی که در یک برنامه از نسخه‌های خطی صحبت می‌شود، نفر بعدی از منابع الکترونیکی بحث می‌کند. من تأکید می‌کنم که انجمن در این برنامه هیچ نقشی ندارد و در جلسات هیأت مدیره مورد انتقاد قرار گرفت و آقای حافظیان هم از این بابت ناراحت است.

باقری:

کمتر شعار بدهیم، کار کنیم و حاصل کار خود را عرضه کنیم، تا اعتماد دیگران هم جلب شود

ما به این برنامه اعتراض کردیم، و تهیه کننده برنامه‌ای که تشکر کرده بود از ما خواسته بود که نظرات خود را راجع به این برنامه ابراز نماییم که در این مورد ما نظرات و انتقادات خود را به صورت مکتوب اعلام کردیم. در گروه الکترونیک و فناوری بحث‌های صریح‌تری ابراز شد. سؤال این بود که مخاطب این برنامه مشخص نیست جامعه کتابداری است یا جامعه غیر کتابداری.

اگر مخاطب کتابداری است زبان فنی مناسب است، ولی اگر غیر کتابداری مخاطب آن است آن زبان نیمه فنی هم باید به زبان سلیس‌تری تبدیل شود. بنابراین انجمن خودش از منتقدان اصلی این برنامه است. مشکل دیگر این است که ما با معضل عدم مشارکت مواجه هستیم. ما پرسش‌نامه‌ای برای گروه‌های هشتادگانه آموزش کتابداری در سراسر کشور فرستادیم تا حداقل اطلاعاتی از وضعیت آن‌ها بدست آوریم، ولی متأسفانه تنها ۷ گروه اطلاعات خود را برای ما فرستادند.

در موارد بسیار زیادی در زمینه‌های مختلف اظهار نظر خواستیم، اما استقبال چندانی نشد. اگر برنامه یا همایشی ترتیب داده می‌شد، با عدم مشارکت مواجه می‌شدیم و فقط ۲ یا ۳ نفر شرکت می‌کردند، که این هم متأثر از وضعیت کلی کشور می‌باشد. بنابراین تصور اینکه انجمن حلال مشکلات باشد و همه فعالیت‌ها را خود انجمن با ۸ نفر نیرو انجام دهد، جایز نمی‌باشد. واقعیت این است که این افراد هم همگی دارای پست‌های اجرایی و آموزشی هستند، چه کسی تعهد اسناد مالی انجمن را تقبل می‌کند یا به خاطر انجمن سفرهای طولانی با خطرات خاص آن را می‌پذیرد، چه چیزی باعث پذیرش این مسؤلیت‌ها می‌گردد بجز علاقه و عشق به حرفه نیست. بنابراین انتظار انجمن از جامعه کتابداری حمایت و کمک به انجمن است. ما بارها برای انتشار خبرنامه اعلام کمک کرده‌ایم و منتظر مطلب بوده‌ایم، ولی واکنش‌ها بسیار ناچیز بود. برای همایش‌ها خواسته‌ایم که پیشنهاد بدهند، سخنران معرفی کنند، ولی واکنش بسیار ضعیف بوده است. شرایط به نحوی است که خودمان باید برنامه‌سازی کنیم و از این بابت دچار مشکل هستیم. در حوزه آموزش کتابداری بخشی از بودجه انجمن به این کار اختصاص داده شد و به یک نتایج نسبی هم دست یافت. اولین بار مدیر گروه‌ها و مسؤولان آموزش کتابداری در انجمن گرد هم آمدند، که این خود یک حرکت سازنده برای شروع بود. ۵ تا ۶ هزار دانش‌آموخته کتابداری در سطح کشور داریم، چرا فقط از این فارغ التحصیلان کمتر از ۵۰۰ نفر عضو هستند؟ در حالی که حق عضویت پول یک ساندویچ یا پیتر است. از یک طرف بحران مشارکت داریم و از طرف دیگر توقع بالاست، که این هم ریشه تاریخی دارد، تازمانی که روی این قضیه کار نکنیم دچار مشکل هستیم. کسانی عضو هیأت مدیره بوده‌اند و با کمترین ناملاچمتی از کار انصراف داده‌اند، در حالی که باید همه سختی‌ها را به جان خرید و نباید با یک حرکت کوچک رنجید و همه چیز را به کنار نهاد. به هر صورت دل ما پر درد است، و مسائل و مشکلات زیاد است. در مورد این برنامه تلویزیونی هم کار انجمن نبوده است و از دست انجمن و آقای حافظیان خارج بوده است. به هر صورت اولین تجربه بوده، و تهیه و پخش آن با مشکلاتی مواجه شده است.

بنی اقبال: یکی از دانشجویان عنوان می‌کرد که من دعا می‌کنم که هر چه زودتر این برنامه تمام شود، دعا می‌کنم دوشنبه‌ها همه گرفتار باشند و این برنامه را نبینند، چون تصویری را که از کتابداری در دوستان، خانواده و همکاران ایجاد کرده‌ام، خراب کرده است. من البته چون خیلی بیننده این برنامه نبوده‌ام، نمی‌توانم در مورد آن اظهار نظر کنم، ولی گاهی که به تماشای آن نشسته‌ام دیده‌ام که هیچ همخوانی در این برنامه بین عنوان برنامه و صحبت‌هایی که در آن می‌شود، وجود ندارد. ان شاء الله که به فرمایش دکتر فتاحی اولین کار بوده و اولین کارها معمولاً با مشکلات و نقایصی همراه است، افزون بر اینکه سازمان صدا و سیما، سازمان بسته‌ای می‌باشد که براحتی نمی‌توان در آن اعمال نظر کرد، و این فیلم هم چون هزینه برداشته، فوری نمی‌توان اعلام کرد که جلوی آن باید گرفته شود، باید ویرایش مجدد شود، این کارها به آسانی در صدا و سیما صورت نمی‌گیرد، حق هم دارند چون هزینه‌های زیادی در کار بوجود می‌آید که انجام آن مشکل است. ما همین امید را داریم که

بنی اقبال:

اگر ضرایب پذیرش  
دانشجو در سطحی قرار  
بگیرد که ما افراد اصلاح را  
انتخاب کنیم، مطمئناً  
محصول ما هم بهتر  
خواهد بود

این برنامه در آینده همگان را حساس کند تا اگر برنامه مشابهی تهیه شد، به جوانب کار توجه کافی بشود. فتاحی: نکته جالبی را در مورد انتقادات وارده به انجمن به ذهنم رسید که نشان می‌دهد که برخی از این انتقادات فاقد پایه و اساس می‌باشد. دو هفته پیش یکی از پیشکسوتان هیأت علمی در انجمن سخنرانی داشت و در آنجا بعد از گذشت ۲ ماه از درگذشت دکتر مزینانی، در انجمن متوجه فوت ایشان شد. این موضوع باعث شد انتقاداتی به انجمن در زمینه اطلاع‌رسانی وارد کند، در حالی که در گروه بحث، سایت انجمن، نشست‌های ماهانه، خبرنامه و ویژه‌نامه‌ای که در کتابخانه ملی تهیه کردیم این خبر را اعلام کردیم. چه کانال دیگری وجود دارد که ما از آن طریق اقدام نکرده‌ایم. یک عضو هیأت علمی حداقل کاری که باید انجام دهد این است که هر چند وقت یکبار به سایت تخصصی خود مراجعه کند، خبرنامه انجمن را که به کلیه کتابخانه‌ها فرستاده می‌شود مطالعه نماید، و در میزگردهای گروه آموزشی خود این مسائل را مطرح کند. ما با این جو مواجه هستیم که انتقاد فوق‌العاده زیادی متوجه ماست و ما نمی‌دانیم چه کار دیگری از دست ما ساخته است. بنی اقبال: البته باز باید تأکید کنم که این جلسه برای بررسی عملکرد انجمن تشکیل نشده است، اما می‌دانیم که انجمن کتابداری بخشی از جامعه کتابداری می‌باشد که می‌تواند سهم مؤثری در رفع مشکلات آموزش کتابداری ایفا نماید. در یک جمع‌بندی از این جلسه باید عنوان کنم که خیلی به آینده امیدوار نیستیم، ولی از حضور شما در این جلسه سپاسگزارم و امیدوارم که در آینده شاهد رفع مشکلات آموزش کتابداری باشیم. چیزی که در این جلسه ما بدست آوردیم این بود که کیفیت آموزش باید مورد ارزیابی قرار بگیرد، این ارزیابی چه از جانب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با معیارهای صحیحی انجام شود و یا چه از طریق انجمن کتابداری صورت بگیرد باید به این نکته توجه کرد که در ابتدا باید به ارزیابی کیفی عملکرد مدرسان کتابداری بپردازیم و بعد نقش مؤثری در گزینش دانشجو داشته باشیم. از فرصت استفاده می‌کنم و اعلام می‌کنم که گروه‌های کتابداری باید به انتخاب دانشجو اعتراض داشته باشند. ضرایب انتخاب دانشجو از درس‌های مختلف را پیشنهاد نکنند. واقعاً در حال حاضر دانشجویان ته مانده رشته‌های دیگر در رشته کتابداری پذیرش می‌شوند، چرا باید چنین شرايطی وجود داشته باشد. اگر ضرایب پذیرش دانشجو در سطحی قرار بگیرد که ما افراد اصلاح را انتخاب کنیم، مطمئناً محصول ما هم بهتر خواهد بود. بنابراین یکی از مواردی که باید از طریق این جلسه خطاب به گروه‌های آموزشی و انجمن اعلام کرد این است که واقعاً نسبت به شیوه پذیرش کنونی دانشجو واکنش نشان بدهید. مگر از هیأت‌های گزینش دانشجو، از سازمان سنجش کشور، از سازمان سنجش دانشگاه آزاد، بخواهیم که ضرایب را تغییر بدهند، و این ضرایب به سمتی برود که دانشجوی اصلاح برای این رشته پذیرفته شود.

چند درصد براساس ذوق و شوق و اختیار این رشته را انتخاب می‌کنند، شاید ۱۰ درصد هم نباشند. باید یک راه‌علاجی هم برای گزینش دانشجو اندیشیده شود که من واکنش گروه‌ها را در این زمینه تأثیرگذار می‌دانم. مسأله دیگر اینکه چند سال پیش در فصلنامه پیام کتابخانه آقای دکتر حرّی تعدادی سؤال را به چند نفر دادند تا پاسخ دهند. من آنجا مطرح کردم که پذیرش دانشجو از علوم انسانی، رشته کتابداری را به رکود می‌برد، خوب است که از تمام رشته‌ها مانند زبان انگلیسی و در مرحله اول دانشجو بی‌پذیرند.

این امر باعث می‌شود که افراد حساس شوند که بپرسند، رشته کتابداری چیست و به این رشته علاقه‌مند شوند و از سایر رشته‌ها (ریاضی و علوم تجربی) نیز به رشته کتابداری جذب گردند.

این پیشنهاد مرا یکی از دلسوزان این رشته در «شورای انقلاب فرهنگی» مطرح کردند و باعث شد که این موضوع تصویب و اجرا شود. صحبت من به این علت است که واقعاً گاهی اوقات تلنگرها می‌توانند مؤثر باشند. امیدواریم که - ان شاء الله - در آینده ما شاهد این باشیم که دانشجویان با ضرایب بالا وارد این رشته شوند و این سبب انتخاب دانشجوی اصلاح گردد.